

زنده باد اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران

سازمان فدائیان (اقلیت)



رفقای کارگر!

اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران در حالی رسیده است که نظام سرمایه‌داری جهانی با یکی از عمیق‌ترین بحراهای اقتصادی دوران حیات خود روبروست. تلاش طبقه سرمایه‌دار و پاسداران نظام سرمایه‌داری برای برون رفت از این بحران، تا کنون بی نتیجه مانده است. وسعت این بحران و ژرفای آن، نشانه روشنی از ورشکستگی، بن‌بست، گنبدگی و زوال نظامی است که از مدت‌ها پیش دوران آن به سر آمده است. این بحران یکبار دیگر ناقوس مرگ نظام ضد انسانی سرمایه‌داری، نظام استثمار فرد از فرد را به صدا درآورد و ناگزیری جایگزینی آن با نظامی نوین و انسانی، نظامی سوسیالیستی بدون طبقات و استثمار را با صدای بلندی که در تمام جهان پیچید، اعلام کرد.

بحران ژرف و همه جانبه‌ای که از پنج سال پیش (۲۰۰۷) سراسر جهان سرمایه‌داری را گرفت، عواقب بسیار وخیمی برای طبقه کارگر به همراه داشته است. طبقه سرمایه‌دار و دولت‌های پاسدار این طبقه در کلیه کشورهای سرمایه‌داری، تلاش نموده‌اند تمام بار این بحران را بر دوش طبقه کارگر قرار دهند. برنامه‌های ریاضت اقتصادی و تعرضات گسترده سرمایه‌داران علیه معیشت کارگران، انجماد و حتا کاهش دستمزدها، صدها میلیون کارگر را در سراسر جهان با فقر و گرسنگی روبرو ساخته و شرایط مادی و معیشتی کارگران را پیوسته وخیمتر ساخته است. ده‌ها میلیون کارگر کار خود را از دست داده، از کارخانه به خیابان پرتاب شده و به اردوی عظیم بیکاران پیوسته‌اند.

عواقب وحشتناک بحران اقتصادی نظام سرمایه‌داری، مبارزه طبقاتی را تشدید نموده است. تعرضات نظام سرمایه‌داری با واکنش و مخالفت جدی طبقه کارگر روبرو شده است. طبقه کارگر در برابر این تعرضات دست به مقاومت زده و به نبردی رو در رو با طبقه سرمایه‌دار برخاسته است. همراه با بحران و تعمیق آن، پیکار طبقاتی در تمام کشورهای سرمایه‌داری تشدید گشته و اعتلا یافته است. طبقه کارگر در مبارزه با طبقه سرمایه‌دار در عموم کشورهای سرمایه‌داری از جمله فرانسه، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، انگلیس و یونان با برپائی صدها اعتصاب بزرگ و سراسری، راهپیمائی، تظاهرات میلیونی و گاه با سنگربندی‌ها و درگیری‌های خیابانی به مقابله با تعرضات و اقدامات ارتجاعی سرمایه‌داران و رژیم‌های سیاسی پاسدار منافع آن‌ها برخاسته است. گستردگی و ژرفای بحران به حدی است که برخی از این کشورها را تب و تاب انقلابی فراگرفته و به آستانه قیام و انقلاب نزدیک ساخته است. جنبش وال استریوت نیز که از آمریکا آغاز شد و به سرعت به سراسر جهان تسری یافت و “جنبش اشغال” نام گرفت، بازتاب همین بحران اقتصادی نظام سرمایه‌داری است که کارگران و تمام مردم کشورهای جهان را به یک اعتصاب عمومی در اول ماه مه فراخوانده است. جنبش اشغال موسوم به جنبش نود و نه درصدی‌ها، گرچه جنبشی ناهمگون است اما در مجموع جنبشی است متعلق به کارگران و زحمتکشان و تهیدستان. جنبش اعتراض به نابرابری‌ها و نابسامانی‌های موجود در جوامع سرمایه‌داری و در کلیت خود جنبشی است ضد سرمایه‌داری. بحران کنونی نظام سرمایه‌داری چنان ژرف و گسترده است که طبقه سرمایه‌دار جهانی و دول پاسدار این طبقه قادر نیستند به سادگی بر آن غلبه یا آن را بطور قطعی حل کنند. شواهد موجود نیز حاکی از آن است که تمام تلاش بورژوازی بین‌المللی برای نجات نظم سرمایه‌داری از بحرانی که ارکان آن را به لرزه درآورده است، با شکست و ناکامی روبرو گشته است. حل قطعی و نهائی این بحران، بر دوش طبقه کارگر جهانی قرار گرفته است. این تنها طبقه کارگر است که باید با برپائی انقلاب سوسیالیستی، بحران موجود را به شیوه‌ای انقلابی حل کند و بشریت ستمدیده را برای همیشه از شر نظام سرمایه‌داری و فجایع آن نجات دهد.

رفقای کارگر! هم‌زمان انقلابی و مبارز!

طبقه کارگر ایران که گردانی از ارتش پرولتاریای جهانی است، مانند تمام هم‌زنجیران خود در سراسر جهان خواهان برافتادن نظم ستمگرانه سرمایه‌داری و استقرار نظامی سوسیالیستی است. طبقه کارگر ایران در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌رود که طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی پاسدار این طبقه، با اجرای سیاست‌های اقتصادی موسوم به نئولیبرال و آزادسازی قیمت‌ها، سطح زندگی کارگران را در معرض شدیدترین تعرضات خود قرار داده و فقر و گرسنگی کم نظیری را بر کارگران تحمیل نموده است. در حالیکه حداقل دستمزد کارگران زیر پوشش قانون کار در سال ۹۱ تنها ۱۸ درصد افزایش یافت، اما با افزایش شدید و افسار گسیخته قیمت‌ها و چند برابر شدن بسیاری از کالاهای مورد نیاز کارگران، افزایش نرخ تورم به بالای ۴۰ درصد، همچنین کاهش شدید ارزش ریال، دستمزدهای واقعی و قدرت خرید کارگران به

طرز وحشتناکی کاهش یافته است. دستمزد کارگران حتی کفاف حداقل زندگی را نمی‌دهد. حداقل دستمزدهای کارگری در حال حاضر از یک چهارم، و متوسط دریافتی ماهانه کارگران از یک سوم خط فقر هم کمتر است. با تداوم سیاست‌های اقتصادی دولت، شرایط مادی و سطح زندگی میلیون‌ها کارگر و اعضای خانواده آن‌ها که در حال حاضر نیز با فقر و فلاکت دهشتناکی دست به گریبانند، به مراتب وخیم‌تر گشته و به پائین‌تر از سطح بسیار فلاکت بار و فقیرانه کنونی سقوط خواهد کرد. همراه با تعمیق بحران و رکود اقتصادی، روند تعطیلی و توقف کارخانه‌ها نیز تشدید گشته است. آغاز سالی که توسط رهبر رژیم دیکتاتوری حاکم ظاهراً سال “حمایت از کار و تولید...” نامیده شده است، با توقف پی در پی واحدهای تولیدی و موج وسیع دیگری از اخراج‌های دستجمعی و بیکار سازی گسترده کارگران همراه شده است. هر روزه صدها کارگر از کار بیکار شده و به خیل عظیم و هشت میلیونی بیکارانی که هیچگونه ممر درآمدی ندارند می‌پیوندند. افزون بر این، رواج و تحمیل گسترده و بیش از پیش قراردادهای موقت و سفید امضا، فعالیت گسترده شرکت‌های پیمانکاری، تلاش‌های رژیم برای تغییر و حذف رسمی قانون کار، امنیت شغلی کارگران را به صفر رسانده است. در یک کلام طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی آن، بیرحمانه‌ترین استثمار و وخیم‌ترین شرایط کاری و معیشتی را بر کارگران تحمیل نموده و بی حقوقی کارگران را به حد اعلا رسانده‌اند.

رفقای کارگر، هم‌زمان انقلابی و مبارز!

به موازات تشدید فشار و افزایش تعرضات طبقه حاکم در عرصه‌های اقتصادی و معیشتی، محدودیت‌ها و فشارهای سیاسی و سرکوبگرانه علیه کارگران و فعالان و تشکل‌های کارگری نیز فوق‌العاده افزایش یافته است. جمهوری اسلامی علاوه بر تشدید خفقان و پلیسی- نظامی کردن فضای بسیاری از کارخانه‌ها و اعمال شدید کنترل پلیسی- جاسوسی از طریق نیروهای امنیتی، حراست، شوراهای اسلامی و عوامل رژیم در خانه کارگر، اعمال قهر مستقیم و خشونت علیه کارگران و نمایندگان آن‌ها را نیز شدت بخشیده است. بازداشت و محاکمه و زندانی کردن مجدد علی‌نجاتی رئیس پیشین هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، بازداشت و زندانی کردن رضا شهابی عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، بازداشت و محاکمه شاهرخ زمانی و محمد جراحی دو تن از فعالان کارگری تبریز و از اعضای سندیکای کارگران نقاش و کانون مدافعان حقوق کارگر، بازداشت و زندانی کردن بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و حقوق کودک و صدور احکام سنگین زندان برای این کارگران و همچنین اعمال شکنجه‌های شدید جسمی و روحی به نحوی که سلامتی جسمی این کارگران را آشکارا به خطر انداخته و در همان حال از معالجه پزشکی آن‌ها ممانعت بعمل آمده است و بالاخره بازداشت و اخراج شمار دیگری از کارگران و فعالان کارگری در تهران و شهرهای کردستان، تنها نمونه‌هایی از اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی علیه کارگران و جنبش کارگری است. افزون بر این‌ها، رژیم سرمایه‌داری و دیکتاتوری حاکم ابتدائی‌ترین حقوق دمکراتیک کارگران را سلب نموده و آنان را از حق ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، حق اعتصاب و دیگر حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی محروم ساخته است. به رغم تمام این فشارها و محدودیت‌ها اما کارگران از مبارزه و تلاش مستمر برای تحقق مطالبات خود، برای تشکلیابی و ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری باز نایستاده‌اند و در ده‌ها مورد تجمعات اعتراضی برپا نموده و اعتصابات بزرگی را سازمان داده‌اند که اعتصابات کارگران پتروشیمی نمونه‌های برجسته آن است. رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا تلاش کرده است اراده و ابتکار عمل کارگران را برای ایجاد تشکل‌های مستقل علنی در هم بشکند، اما کارگران به ویژه پیشروترین کارگران آموخته‌اند که تلاش‌های خود را به ایجاد تشکل‌های علنی محدود نکنند و برای خنثی سازی تلاش‌های ارتجاعی رژیم و تضمین ادامه کاری در مبارزه‌ای سازمان یافته، به کمیته‌های مخفی کارخانه متکی باشند. این کمیته‌ها نه فقط قادرند در شرایط کنونی مبارزات علنی روزمره کارگران را سازماندهی و رهبری کنند و نه فقط پشتوانه محکم و قابل اتکائی برای ایجاد تشکل‌های علنی توده‌ای و سازماندهی و رهبری پیروزمند کارگران در شرایط کنونی هستند، بلکه از آن جهت نیز ضروری هستند که با توجه به بحران‌های فزاینده و متعددی که رژیم حاکم با آن روبروست و چشم‌انداز اعتلای مبارزات، به دلیل قابلیت انعطاف و خصلت رادیکال خود، به آسانی می‌توانند به شوراهای کارگری ارتقا یابند که یگانه ارگان‌های مناسب برای کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر است. عموم فعالان و پیشروان کارگری و بخش اعظم کارگران در واحدهای بزرگ و متوسط اکنون به ضرورت، اهمیت و نقش تشکل‌های مستقل کارگری پی برده‌اند. از این روست که حق ایجاد تشکل مستقل و حق تجمع و اعتصاب در رأس مطالبات و شعارهای کارگری در اول ماه مه بوده است. در اول ماه مه امسال نیز این دو شعار و مطالبه سیاسی، مطالبات و شعارهای محوری کارگران است. افزون بر این دو مطالبه اساسی و محوری، کارگران در روز اول ماه مه و دربیانیه‌ها و قطعنامه‌های خود بدین مناسبت، یقیناً شعارها و مطالبات دیگری را نیز مطرح خواهند کرد که از جمله می‌توان به افزایش دستمزدها مطابق نرخ تورم واقعی، برچیده شدن شرکت‌های پیمانکاری و لغو قراردادهای موقت و سفید امضا، پرداخت به موقع دستمزدها و سایر مطالبات معوقه، به رسمیت شناخته شدن اول ماه مه به عنوان یک روز تعطیل رسمی، ضمانت شغلی، ممنوعیت اخراج و بازگشت به کار

کارگران اخراجی اشاره کرد. با توجه به موج جدید اخراج‌های دستجمعی و بیکار سازی وسیع کارگران که پس از تعطیلات نوروزی آغاز شده است، همچنین با توجه به تشدید بیش از پیش فشارهای اقتصادی بر دوش کارگران که با مقاومت و اعتراضات آشکار و خیابانی کارگران روبرو گشته است، شعار ممنوعیت اخراج و بازگشت به کار کلیه کارگران اخراجی از اهمیت عملی ویژه‌ای برخوردار شده است. تجمعات اعتراضی و مکرر ۶۵۰ کارگر اخراجی شهاب خودرو در برابر کارخانه و در برابر نهادهای حکومتی مانند مجلس، وزارت کار، دفتر ریاست جمهوری، و تجمع اعتراضی ۲۰۰ کارگر اخراجی کارخانه شمش چدن ذوب آهن غرب کشور برای بازگشت به کار و تجمع اعتراضی ۸۰۰ کارگر فلزکار تهران در برابر دفتر ریاست جمهوری برای تضمین شغلی و دریافت مطالبات معوقه، تنها چند نمونه از اعتراضات کارگری در این زمینه و در ظرف کمتر از یک هفته‌ای که از تعطیلات نوروزی می‌گذرد، گویای وضعیت مبارزاتی و خواست‌های انبوه عظیمی از کارگران است. روشن است که نه خواست پرداخت مطالبات معوقه به ۸۰۰ کارگر فلزکار تهران خلاصه می‌شود و نه مطالبه بازگشت به کار، به کارگران شهاب خودرو و ذوب آهن. هم اکنون دستمزدها و مطالبات بخش اعظم کارگران با ماه‌ها تأخیر و به شکلی ناقص پرداخت می‌شود. در مورد اخراج و بیکار سازی کارگران نیز تمامی شواهد حاکی از تشدید این روند است و آن گونه که یکی از سایت‌های حکومتی فاش ساخت، به علت وضعیت بحرانی واحدهای تولیدی، ۳۰ درصد کارگران از ابتدای سال ۹۱ اخراج شده‌اند.

بنابراین یکی از وظایف عاجل و میرمی که هم اکنون بر دوش فعالان کارگری و بر دوش تشکل‌های فعلاً موجود کارگری قرار گرفته است، حمایت جدی از مبارزات جاری و اقتصادی کارگران است. فعالان و تشکل‌های کارگری باید با مشارکت عملی خود در این مبارزات و تجمعات اعتراضی، مبارزات کارگران برای تحقق این مطالبات را تقویت و آن را به مبارزه ای سراسری و فراگیر تبدیل کنند.

رفقای کارگر!

رژیم سرمایه‌داری حاکم بر ایران با یک بحران جدی اقتصادی روبروست. این بحران روز به روز ژرفتر و گسترده‌تر شده است. رکود، تقریباً تمام بخش‌های اقتصادی را فراگرفته است. کشمکش و اختلاف در بالاترین رده‌ها و نهادهای حکومتی نیز فزونی گرفته است. تمام اقدامات طبقه حاکم برای برون رفت از این وضعیت و حل بحران‌ها با ناکامی و شکست روبرو شده است. تشدید رکود و بحران اقتصادی و اوضاع سیاسی در ایران، چشم‌انداز بحران‌های سیاسی جدی را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل نموده است. جامعه ایران آستان تلاطمات و نیازمند یک دگرگونی انقلابی است. تنها طبقه کارگر است که قادر است بحران‌های موجود را به شیوه‌ای انقلابی و به سود تمام زحمتکش‌ها حل کند و جامعه را از شر تمام فجایعی که جمهوری اسلامی و نظم سرمایه‌داری حاکم به بار آورده است نجات دهد. طبقه کارگر، باید خود را برای انجام این رسالت بزرگ آماده کند.

رفقای کارگر!

رژیم جمهوری اسلامی هر ساله در آستانه اول ماه مه، با تشدید اقدامات سرکوبگرانه علیه کارگران و بازداشت و ارباب فعالان کارگری، تمام تلاش خود را بکار می‌بندد تا مانع برگزاری علنی مراسم اول ماه مه گردد. کارگران باید با اتحاد خود و اتخاذ تاکتیک‌های مناسب این تلاش‌های ارتجاعی و ضد کارگری جمهوری اسلامی را خنثا کنند. این حق کارگران است که مراسم روز اول ماه مه را که روز کارگر و روز اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران است، با تجمع، تظاهرات، راهپیمایی و هر شکل دیگری که خود تشخیص می‌دهند، برگزار نمایند و همبستگی خود را در مبارزه برای براندازی نظم سرمایه‌داری و استقرار نظم سوسیالیستی با کارگران سراسر جهان اعلام دارند.

سازمان فدائیان (اقلیت) از حق کارگران برای برگزاری آزادانه مراسم اول ماه مه قویاً دفاع می‌کند. اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و هرگونه ممنوعیت یا محدودیت برگزاری مراسم اول ماه مه ملغاً باید گردد.

سازمان فدائیان (اقلیت) فرا رسیدن اول ماه مه را به عموم کارگران شادباش می‌گوید و بر این امید است که سال جاری، سالی پر بار و سرشار از پیروزی برای طبقه کارگر باشد.

زنده باد اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورانی
کار، نان، آزادی - حکومت شورانی
اردیبهشت سال ۱۳۹۱
سازمان فدائیان (اقلیت)